



## یادی از محمدتقی دانش‌پژوه

ایرج افشار

محمدتقی دانش‌پژوه (۱۲۹۰ آمل - ۱۳۷۵ تهران) نخست به اسلوب طالب علمان نزد پدر و استادان مدارس قدیم در آمل و قم و تهران تحصیل کرد (تفصیل جامع و خواندنی در آن باره را خود او نوشته و در راهنمای کتاب، ج ۱۸، ۱۳۵۴، چاپ شده است). پس از آن به تحصیل دانشگاهی روی آورد و چون دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران را به پایان برد کار دبیری را پیش گرفت. اما به مناسبت آن‌که دل‌بسته کتاب و پژوهش بود به خدمت کتاب‌داری دانشکده حقوق درآمد و نزدیک بیست و پنج سال، با عنوان معاون کتاب‌خانه، بی‌هیچ وقفه، بدان کار پرداخت و در خلال آن کارگزاران، به مناسبت آن‌که شادروان سید محمد مشکوة مجموعه ارزشمند نسخه‌های خطی گردآورده خود را به دانشگاه تهران اهدا کرد و با این مجموعه شالوده تأسیس و نام‌گذاری کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه گذاشته شد، فهرست‌نویسی و، پس از چندی، ریاست این کتاب‌خانه تازه بنیاد به دانش‌پژوه واگذار شد و او تا سال ۱۳۴۱ به این خدمت ادامه داد. چون در سال ۱۳۴۸ به دانش‌یاری دانشکده الهیات و معارف اسلامی برگزیده شد، از معاونت کتاب‌خانه دانشکده حقوق کناره گرفت و یکسره به آموزش و، بیش از آن، به پژوهش پرداخت. اما، چون کتاب‌داری دانشگاه می‌بایست از گنجینه فضایل و خزانه اطلاعات او بهره‌ور باشد، به درخواست کتاب‌خانه مرکزی از رئیس وقت دانشگاه، عنوان مشاور علمی کتاب‌خانه به او داده شد که تا اواخر عمر، چه موظف و چه غیر موظف، این خدمت گران‌قدر را انجام می‌داد.

محمدتقی دانش‌پژوه در کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی



اگر پرسیده شود که دانش‌پژوه در زمینه کتاب‌داری چه کرد، باید گفته شود که کوشش اساسی و جهانی او فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است که اهم آنها فهرست‌های کتاب‌خانه‌های مرکزی، حقوق، ادبیات، مجلس شورا و سنا (پیشین)، سپهسالار (باهمکاری علینقی منزوی)، ملک (با همکاری احمد منزوی و دکتر حجتی)، آستانه قم، لوس آنجلس، و کتاب‌خانه مجتبی مینوی است. دو دیگر مجموعه‌سازی کتاب‌های پژوهشی در زمینه تحقیقات ایران‌شناسی و متون و مباحث اسلامی در دانشکده حقوق است که دامنه آن به بررسی و برگزیدن نسخه‌های خطی برای مجموعه‌های کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه و کتاب‌خانه‌های مجلس شورا و سنا (پیشین) و هم‌چنین بعضی از کتاب‌خانه‌های شهرستان‌ها کشیده بود و خزاین خطی این کتاب‌خانه‌ها از بینش و دانش ایشان بهره بسیار یافته است و جملگی استفاده‌کنندگان از آنها مرهون علایق او خواهند بود.

دانش‌پژوه از حدود سال ۱۳۳۵ عضویت و همکاری در انجمن دوست‌داران کتاب، کمیته ملی کتاب‌شناسی، کمیته ملی تأسیس بایگانی کشور، انجمن فلسفه و علوم انسانی، کنگره تحقیقات ایرانی، مجله راهنمای کتاب، انجمن تاریخ طب و علوم، شورای ارزش‌یابی نسخه‌های خطی کتاب‌خانه‌های مرکزی دانشگاه و شورا و سنا (پیشین) و چندین مجمع علمی دیگر را پذیرفته بود و، با شور و علاقه‌مندی، در اکثر مجامع علمی و کنگره‌های ایران‌شناسی و جلساتی که مربوط به فرهنگ و ادب و تاریخ ایران بود شرکت می‌کرد. جز این، در چندین کنگره و مجمع علمی در کشورهای افغانستان، پاکستان، ازبکستان، پاریس، سخن‌رانی‌های ابتکاری تحقیقی عرضه کرد.

سفرهای اساسی و عمده دانش‌پژوه، چه در درون کشور و چه در کشورهای دیگر، بیشتر برای دیدن و یافتن و میکروفیلم گرفتن از نسخه‌های خطی بود. خستگی راه‌های دراز و دشواری‌های بسیار را به جان و دل می‌خرید تا بتواند چند نسخه تازه‌یاب یا ناشناخته را بشناسد و بی‌درنگ بشناساند و یا به چاپ برساند. به افغانستان، شوروی پیشین (مسکو و پترزبورگ و دوشنبه و تاشکند و باکو)، آلمان، هلند، امریکا و فرانسه و چین رفت و ارمغان‌های ارزش‌مند از هر یک آنها آورد و منظم‌اً مشخصات و کیفیات نسخه‌ها را در مجله‌ها و بیشتر در نشریه نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مرکزی، که خود از پایه‌گذارانش بود، فهرست‌وار یا به تفصیل کتاب‌شناسانه منتشر ساخت. این گونه

کارهای او یادگارنامه سفرها و دربرگیرنده بسیاری آگاهی‌های دست‌یاب شده‌ای است که نخستین بار او یادآور آنها شده است. نمونه را باید فهرستی دانست که از نسخه‌های خطی کتاب‌خانه پژوهشی دانشگاه لوس‌آنجلس نوشت و آن فهرست امروزه اساس کار هر محقق است که در آن کتاب‌خانه به مجموعه نسخه‌های خطی می‌نگرد.

اغراق نیست اگر گفته شود که دانش‌پژوه رقمی نزدیک به صد هزار نسخه خطی را یک به یک دیده و بررسی کرده و آنها را که شایسته معرفی دانسته در مقاله‌ها و فهرست‌ها و مقدمه‌های خود بی‌تابانه شناسانده است. نگاهی به دوره چهار جلدی کتاب بررسی نسخه‌های خطی اسلامی<sup>۱</sup>، که به همت مؤسسه «الفرقان» انتشار یافته، گویای میزان و میدان کار و اهمیت پژوهش‌های یک‌تنه دانش‌پژوه در زمینه و پهنه نسخه‌های خطی پراکنده در جهان است.

دانش‌پژوه در سراسر جهان خاورشناسی اسلامی، به مناسبت این رشته دراز از کار، شناخته و نام‌آورست. بی‌هیچ تردیدی توان گفت که بیش از هر فهرست‌نویسی فهرست‌نگاری تحقیقی، تحلیلی و تفصیلی کرده است. جلد سوم فهرست کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران نمونه روشن و گویاست از آنچه عرض شد. تصورم بر آن است که انجمن آسیایی فرانسه به مناسبت همین خدمت والاست که او را به عضویت افتخاری خود برگزید.

دانش‌پژوه، از گذرگاه فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی و استمرار تجربه در این راه، توانست گام فراتری بردارد و دامنه رسیدگی و پژوهش را به رشته کتاب‌شناسی و ارتباط سلسله‌ای میان کتاب‌های هم‌موضوع بکشاند و، در حقیقت، عنایتی در خورد توجه به تاریخ علوم داشته باشد. پژوهش‌های کتاب‌شناسانه او در فقه فارسی (فهرستی مستقل در آن باره دارد)، موسیقی (فهرستی مستقل در آن باره دارد)، فلسفه و منطق (که در مقدمه چند کتاب بدان پرداخته، از جمله مقدمه مفصل ترجمه فارسی نزهة الارواح شهرزوری)، اخلاق و سیاست (هم در مقاله‌ای و هم در مقدمه چند کتابی که در این موضوع منتشر کرده)، کتاب‌شناسی فرق و ادیان در فرهنگ ایران زمین (دوازدهم)، دایرة المعارف‌ها و اقسام علوم، ترسلات و منشآت، هنر نقاشی کتاب‌پردازی (مقاله مهم

1) *World Survey of Islamic Manuscripts*, Edited by G. Ropper, London, Al-Furqan Islamic Heritage Foundation, 4 vol. 1992-1994.

«گنجور») یک‌یک حاکی تام از پهناوری دانش و توانایی‌های او در آن زمینه‌هاست. هر یک از کتاب‌شناسی‌ها یا معرفی‌نامه‌های او «کتابی دستی» برای هر دانش‌دوستی است که در یکی ازین رشته‌ها به تجسس و تفحص می‌پردازد. همه آموزنده است و پراز نکته‌های تازه. دانش‌پژوه، پیش از این که به فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی کتاب‌خانه اهدایی سیدمحمد مشکوة پردازد و با گنجینه دریاوار نسخه‌ها آشنایی بگیرد، کار علمی را با نگاشتن چند مقاله در موضوع و مباحث فلسفی و منطقی و کلامی در مجله‌های جلوه، دانش‌نامه، مهر، دانش و ترجمه کردن دو متن النکت الاعتقادیة شیخ مفید و مصادقة الاخوان شیخ صدوق آغاز کرد. اما، چون به خزانه پر طرایف نسخه‌ها در افتاد که هر یک در موضوعی از علوم بود، به تدریج با رشته‌های متنوع دیگر آشنایی گرفت و در پی هر یک که نمی‌شناخت به تجسس و کنجکاوی دست زد و دایرةالمعارف گونه به سوابق مربوط به هر رشته و متون موجود در آن رشته پرداخت. او ناچار از آن بود که مخصوصاً به فهرست‌های نسخه‌های خطی لندن و برلن و پاریس و پترزبورگ و وین و پتنه و بهار و آصفیه و مدراس و قاهره و جز اینها بنگرد و دریابد که برجستگان و پیشگامان چه کرده‌اند و چه گفته‌اند. توفیق او در این مرحله مدیون آن بود که منظمأ از دیده‌ها و خواننده‌ها یادداشت برداری می‌کرد و هر یک را در جای خود می‌گذاشت.

دانش‌پژوه ازین راه روش‌مند بود که گرایشی سخت به تصحیح و نشر متون ناب فارسی و نسخه‌های تازه‌یاب پیدا کرد و در این کوشش باارزش، متون متعدد مفصل (کتاب) را به چاپ رسانید که اغلب آنها ناشناخته بود و اول بار به چاپ می‌رسید. هم‌چنین نزدیک به یک‌صد رساله کوتاه تصحیح و چاپ کرد که هر یک از آنها در جهان تحقیقات ایرانی و اسلامی از تازگی و بدعت نام و نشان دارد. اگر متنی چاپ شده را به چاپ نوینی رسانید برای آن بود که نسخه‌ای تازه‌گون از متن به دستش افتاده بود که بر چاپ پیشینه برتری داشت. از جمله همین روزها بیان‌الادیان به تصحیح او، که از چاپ مرحوم عباس اقبال بابی بیش دارد، منتشر خواهد شد. سوانح الافکار رشیدی هم به همین منوال تجدید چاپ شده است.

با نگاهی اجمالی به متن‌هایی که او چاپ کرده است روشن‌تر می‌توانم نشان بدهم که او به چند رشته از علم کمک کرده است و به کدام دسته از آنها پیوستگی بیشتری داشته است.

نخستین گامی که در راه تصحیح و نشر متون برداشت هم‌زمان و به مناسبت تشکیل کنگره خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۱۳۳۵ بود که با شوری بسیار به تهیه و نشر شش رساله کوتاه از آن دانش‌مند توفیق یافت. از جمله رساله معینه در هیئت و شرح مشکلات آن را به چاپ عکسی رسانید. علاقه‌مندی او به نشر متون علمی فارسی از این روی بود که می‌خواست توانایی زبان فارسی و خدمات علمی دانش‌مندان قلم‌رو ایران کهن را به خاورشناسانی که در آن کنگره شرکت می‌کردند بشناساند. در همان سال‌ها، کششی عجیب به رسایل اخوان الصفا داشت و مخصوصاً به گردآوری نسخه‌های ترجمه آن رسایل اهتمام می‌کرد که مگر آن را به چاپ برساند؛ تا این‌که، چهل سال بعد، مجمل‌الحکمه، ماهی پیش از درگذشت او، به چاپ رسید و انتشار یافت. دانش‌پژوه، چون در علم منطق توغّل کرده بود، توجهی ژرف به ریاضی و نجوم و علوم طبیعی داشت و غالباً توصیه می‌کرد که باید متون ریاضی (حساب و هیئت و نجوم) را چاپ کرد. به همین ملاحظات بود که گرایش ژرف و راستین به تصحیح و نشر کتاب‌های چند دانشی (دایرة‌المعارف گونه) پیدا کرده بود. بحر الفوائد، یواقیت العلوم، نوادر التبادر و مجمل‌الحکمه چهار متنی است که بخش‌هایی از آنها به آن علوم اختصاص دارد و هر چهار به اهتمام دانش‌پژوه نشر شد. جز آنها باید از دو رساله، یکی به نام الرسالة السنجریه نوشته ابن سهلان ساوی و دیگری از شرف‌الدین مسعودی، که هر دو در معرفت آثار علوی و از متون نخستین فارسی در طبیعات سماوی است، یاد کرد. دانش‌پژوه از محمد بن زکریای رازی متن عربی سر‌الاسرار را چاپ کرده است. شرح مشکلات اقلیدس نگاشته ابونصر فارابی از دیگر متون علمی است که به دست او تصحیح و طبع شده است. در پزشکی، یکی متن دو کتاب است از ده کتاب ذخیره‌خوارزمشاهی به فارسی که به کمک او منتشر شد و دیگر متن عربی مفتاح الطب تألیف ابن هندوست (با همکاری دکتر مهدی محقق). برای او تفکر مؤلفان اسلامی در چگونگی تقسیم علوم اهمیت داشت و کتب مشهور در این مبحث را به دقت خوانده بود و خود دو رساله ناشناخته الرسالة الشرفیه تألیف ابوعلی سلماسی و اصناف العلوم ابوسهل عیسی مسیحی را به چاپ رسانید و در مقدمه‌های پر فایده‌ای که بر آنها نوشت به اهمیت مسئله تقسیم علوم پرداخت. حاصل کوشش‌های دانش‌پژوه، اعم از آنچه به دست او نشر شد و یا آنچه در فهرست‌ها به وسیله او به دیگران شناسانده شد، موجب آن شد که رشدی راشد استاد نام‌آور تاریخ ریاضیات

اسلامی، مقاله‌ای را که دربارهٔ ریاضی ملامحمد باقر یزدی نوشت با افتخار به نام دانش‌پژوه مصدر و به او اهدا کرد.

در زمینهٔ کلام و فقه و معارف اسلامی، مخصوصاً از لحاظ تاریخ ادیان و ملل و نحل، متن‌های متعددی به همت او انتشار یافت. در فقه، ترجمه‌های کهن فارسی نه‌ایهٔ شیخ طوسی، مختصر نافع محقق حلّی، معتقد الامامیه از مؤلف ناشناس، و شرایع الاسلام را در دست‌رس گذارد و، در کلام و اخبار، شرح فارسی شهاب الاخبار، ترجمهٔ ملل و نحل محمد بن زکریای رازی، رساله‌های امامت و فصول خواجه نصیر و چهار رسالهٔ دیگر او در مباحث کلامی، الکشف عن مناهج اصناف الخوارج صاحب بن عباد، مجدول عترت نبی از نظام‌الدین شامی، رسالهٔ توحید یعقوب بن موسی متطبب، اثبات واجب خفّری، فصول رشیدالدین میبدی، را منتشر کرد. در تاریخ ادیان و مذاهب، دو رساله در هفتادودو گروه و یک رساله دربارهٔ هفتاد و سه گروه (از عبدالواحد کرمانی) و رسالهٔ بیان المذاهب و الفرق و باب گمشده‌ای از بیان الادیان را منتشر ساخت. تمام متن بیان الادیان، چنان‌که پیش از این اشارت رفت، بر اساس نسخه‌ای تازه‌یاب، که هم به تصحیح او با هم‌کاری قدرت پیشنهادزاده رسیده است، در همین ایام پدیدار خواهد شد. معارج نهج البلاغه هم از زمرهٔ متن‌های مرتبط به معارف اسلامی است که به کوشش او نشر شد. چند رساله هم در علم رجال و مشیخه چاپ کرد به نام‌های مشایخ الشیعهٔ اردکانی، دو مشیخهٔ یزدی، تاریخ مشاهیر امامیه از رضی قزوینی و دو رسالهٔ گمنام و بی‌نام در رجال.

دانش‌پژوه در زمینهٔ فلسفه و منطق دل‌بسته‌تر نسبت به دانش‌های دیگر پژوهش می‌کرد. اشراف و احاطهٔ او در این رشته با خواندن مقدمه‌ای که بر ترجمهٔ فارسی نزهة الارواح شهرزوری نوشت و متن آن را با هم‌کاری محمد سرور مولائی چاپ کرده است نیک مشهود می‌شود. بنده ادعا می‌کنم که هنوز در کتاب‌شناسی مآخذ اسلامی فلسفه رسالتی بدین گستردگی و گران‌قدری در زبان فارسی نوشته نشده است.

تصحیح متن عربی النجاة ابن سینا از کارهای عمدهٔ اوست. وی ترجمهٔ پیشینهٔ التحصیل بهمینار را، که جام جهان‌نما نام دارد، به هم‌کاری شیخ عبدالله نورانی چاپ کرد. حیات النفوس زیزی در حکمت اشراق، منطق ابن مقفع و منطق ابن بهریر، الاقطاب القطیبة عبدالقاهر اهری، جامع الحکمة باباافضل مرقی، تبصرة ابن سهلان ساوی و دو رسالهٔ منطقی منضم بدان، رسایل منطقی ابونصر فارابی (در سه جلد ضخیم به نام المنطقیات)،

رساله‌های رشید و طواط و غیلانی در منطق و ردّ منطق، دو رساله در منطق از اثیر ابهری، المبادی و الرؤس العشره لتعلم الفلسفه از ابن الطیب بغدادی و رساله فی التعقیب الموضع الجدلی از ابن سینا، همه از متن‌ها و رساله‌هایی است که دانش‌پژوه یکایک را از گوشه و کنار کتاب‌خانه‌ها می‌یافت و چاپ می‌کرد و این همه را انجام می‌داد که مگر روزی بتواند خود تاریخ منطق بنویسد. ده‌ها کتاب به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی و عربی را گرد آورده و در خواندن گرفته بود که مگر بدان مقصود نایل شود. از رساله‌های نایابی که یافت و چاپ کرد یکی هم ذکر الحکماء الیونانین و المملین از شمار رسایل فلسفی و احوال فلاسفه است که به دست او چاپ شد، هم‌چنانکه رساله‌ای فارسی به نام سرگذشت‌نامه ارسطو. در مباحث فلسفی، رساله‌هایی هم از ابن سینا چاپ کرده است. بستان العقول، تصنیف محمد زنگی بخاری، هم به اعتباری صبغۀ فلسفی دارد که در تصحیح آن کوشش کرد.

در زمینه اخلاق و سیاست (اعم از تدبیر منزل و سیاست مدن) چندین کتاب ارزش‌مند برای نخستین‌بار به همت بلند او انتشار یافت، مانند اخلاق محتشمی خواجه نصیر (همراه سه رساله از دیگران)، ترجمۀ فارسی جاودان خرد، حدایق السیر ابوعلی سلماسی، مکارم الاخلاق رضی‌الدین نیشابوری، گشایش‌نامه، تحفه (هر دو مجهول المؤلف)، تحفه الملوک غزالی، الرسالة السیاسة سلماسی، دو رساله در اخلاق از مؤلف شروق الانوار، ترجمۀ فارسی فرمان مالک اشتر از آوی. آخرین کتاب او در این زمینه ترجمۀ فارسی الاحکام السلطانیة ماوردی است که با هم‌کاری چنگیز پهلوان فراهم آمده است و جلد اول آن به‌زودی منتشر خواهد شد.

در زمینه عرفان و تصوف (و ردّ آن)، دانش‌پژوه متونی را تصحیح و چاپ کرده است که روزبهان‌نامه (مجموعۀ چند متن در مقامات و آثار روزبهان بقلی) اشهر از همه است. دیگر آثار درویش محمد طبسی (عصر تیموری)، کسر اصنام الجاهلیة از ملاصدرا، و رساله‌های محاکمه متصوفه، دو شرح «کنت کنزاً مخفیاً»، سلسله الاولیاء، الاحادیث الاربعین عرفا برشمردنی است. باید عرض کنم که متن مقامات با یزید بسطامی را هم به درخواست شهریار عدل در دست تصحیح گرفت که می‌باید به چاپ برسد.

در زمینه متون تاریخ، کار خود را با تاریخ اسماعیلیه و باطنیه و نزاریه آغاز کرد و بخش‌های مرتبط با آن فرق را از دو کتاب مشهور جامع التواریخ و زبدة التواریخ، با دو ذیل



جداگانه، در دو مجلد جدا، به چاپ رسانید. چاپ کتاب وزارت در عهد سلاجقه تألیف عباس اقبال را هم در همان اوقات به همکاری یحیی ذکاء به پایان برد. سوانح الافکار (مکتوبات رشیدالدین فضل‌الله) را به چاپ نوینی رسانید که مرجحاتی بر چاپ پیشین محمد شفیع لاهوری دارد. شوکت‌نامه، سال‌شمار تاریخ ایران (مندرج در مجله تاریخ)، نامه‌های ابزری و فسایی و بسیاری از وقف‌نامه‌ها و اسناد و مدارک متفرق (مانند اسناد نیاک) که مقاله مقاله در مجله‌ها و نشریه‌ها چاپ کرده است، نموداری است روشن از اهمیتی که برای تاریخ ایران قایل بود و روشن شدن گوشه‌های مکتوم آن را بر اساس اسناد و مدارک چاپ نشده لازم می‌دانست. دو کتاب مهمی که در تاریخ به تصحیح او شناخته شد یکی تاریخ الوزرای قمی است به زبان فارسی، که در نوع خود کم‌نظیر و متنی است ممتاز از لحاظ ادبی و تاریخی مشحون بر امثال و تعابیر فارسی؛ دیگری، که به زبان عربی است و از آخرین کارهای دانش‌پژوه، نه‌ایة الارب فی اخبار الفرس والعرب نام دارد که برای تاریخ ایران پیش از اسلام دارای اعتبار زیادی است.

در زمینه آنچه به تاریخ فرهنگی و مدنی (Kulturgeschichte به اصطلاح آلمانی) مرتبط است و هر گوشه از آن به نوعی با جامعه‌شناسی پیوستگی می‌یابد، دانش‌پژوه خدماتی انجام داده و متونی را چاپ کرده است که نباید از یاد برد. از آن شمار است جامع الهدایه در کمان‌داری از نظام بیهقی، دو رساله در عطرشناسی و عطرسازی، رساله‌ای در موسیقی از محمد نیشابوری، طاووس‌خانه اصفهان، دو رساله در رنگ کردن کاغذ، قانون الصور در نقاشی، معرفی جنگ‌ها و سفینه‌ها و مرقع‌ها، دستور الملوک رفیعا، هدایة التصدیق فضل‌الله خنجی در حریق مدینه و مقاله‌های بسیار دیگر.

نظر عاطفی دانش‌پژوه بی‌هیچ وقفه و خدشه‌ای همواره متوجه گسترش زبان فارسی بود. او بیش و پیش از هر چیز در انتشار متون پیشین بر این نیت بود که از راه نشر متن‌های کهن بر غنای زبان فارسی افزوده شود. او می‌گفت و معتقد بود که از واژه‌های مصطلح و متداول در متون پیشین می‌توان کلمه‌هایی را یافت که شاید در مفاهیم علمی و فرهنگی و مدنی جدید به کار بردنی باشد. دل‌سپرده‌ای راستین بدین کار بود. عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی را راهی به رسیدن به نیت و امید بلند خود می‌دانست و از هیچ گفته و کوشش دریغ نمی‌کرد. همه می‌دانیم که او می‌کوشید تا نوشته‌هایش به اندازه توان و امکان به واژه‌های پارسی و به گفته دری آراسته باشد.

دانش‌پژوه، با انتشار چهل پنجاه کتاب و چهل پنجاه فهرست و نزدیک به چهارصد مقاله، بسیاری از مشاهیر را بهتر و بیشتر از پیش به ما شناساند و هم ما را با نام و نوشته بسیاری از ناشناختگان و فراموش‌شدگان آشنا ساخت که پیش از او یادی از آنها در نوشته‌ها و ادبیات ما نبود.

در این نوشته، به همه نوشته‌ها و مقاله‌های دانش‌پژوه اشاره نشده است. فهرست نوشته‌های او خود نیازمند به سیاهه‌ای دراز و جداگانه است. برای کارهای او تا سال ۱۳۵۸ فهرستی تهیه کردم که در راهنمای کتاب سال ۱۸ چاپ شده است و عنایت‌الله مجیدی و قدرت پیشنهادزاده دنباله آن را فراهم کرده‌اند که باید امیدوار بود هر چه زودتر در دفتری خاص به چاپ برسد.

